



University of Tehran Press

Criticism of the Views of the Deniers of the Legitimacy of Religious Science from the Perspective of the Qur'an with the Approach of Answering Doubts

Mohammad Ali Asadinasab^{1*}  | Farideh Pishvaei² 

1. Quran study Department, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran, Iran, E-mail: m.asadinasab@iict.ac.ir
2. Corresponding Author, Quran and Hadith Department, Research Institute of Islamic Studies of Al-Zahra Community, Qom, Iran E-mail: fpishvaei@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received 05 October 2024
Received in revised 11 January 2025
Accepted 19 January 2025
Published online 17 March 2025

Keywords:
criticism,
deniers,
doubt,
Islamization of science,
legitimacy of religious science,
Quran

ABSTRACT

One of the main presuppositions in the subject of religious knowledge and Islamization of knowledge is the legitimacy and permissibility of its establishment, which implies that the desirability, and then, the necessity should be considered reasonable. Therefore, it is important to try to prove it. In this field, some Muslim intellectuals, based on various reasons, do not consider religious knowledge as legitimate and permissible. This article, using a library method based on the Quranic doctrine and with an analytical-critical approach, has investigated the views of those who deny the legitimacy of religious knowledge and especially the Islamization of knowledge in the form of answering doubts. Doubts drawn from the point of view of deniers could be categorized in the areas of scientific and rational deficiencies of religious knowledge; Ideologization of knowledge and its dependence on governance; the complexity of today's conditions and the lack of religious foundations; the abandonment of Islamization of knowledge; the sanctity of the knowledge attributed to Islam, the prohibition of criticism and its ineffectiveness; existence of wide disagreement among experts and the perceived oddity of Islamization of knowledge; the uselessness of Islamic humanities or lack of interest in it; improper interference in experimental sciences and ambiguity in the influences of revelatory content on human experimental sciences; all of which were addressed in this article based on Quranic doctrine and rational reasoning. The result is that the establishment of religious knowledge is a legitimate and permissible matter, and the lack of correct understanding of it, the process of its formation, and the negligence or failure in this field, do not cause uncertainty about the permissibility and legitimacy of its principle.

Cite this article: Asadinasab, M. A. & Pishvaei, F. (2025). Criticism of the views of the deniers of the legitimacy of religious science from the perspective of the Qur'an with the approach of answering doubts. *Philosophy of Religion*, 21, (4), 285-300 .
<http://doi.org/10.22059/jpht.2025.378772.1006059>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2025.378772.1006059>

Publisher: University of Tehran Press.



دانشگاه تهران

نشریه فلسفه دین

شاپا الکترونیکی: ۶۲۳۳-۲۴۲۳

سایت نشریه: <https://jpht.ut.ac.ir>

نقد دیدگاه منکران مشروعیت علم دینی از منظر قرآن (با رویکرد پاسخ به شبهات)

محمدعلی اسدی نسب^۱ | فریده پیشوایی^{۲*}

۱. گروه قرآن پژوهی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران، رایانامه: m.asadinasab@iict.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی، پژوهشگر جامعه الزهرا(س)، قم، ایران، رایانامه: f.pishvae@dtc.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

کلیدواژه:

اسلامی سازی علوم،

شبهه،

قرآن،

مشروعیت علم دینی،

منکران،

نقد

از پیش فرض های اصلی در موضوع علم دینی و اسلامی سازی علوم مشروعیت و جواز تأسیس است که بر پایه آن مطلوبیت و سپس ضرورت مستدل می شود. بنابراین تلاش در جهت اثبات آن اهمیت دارد. در این عرصه برخی از روشنفکران مسلمان، مبتنی بر دلایلی، علم دینی را مشروع و جایز نمی دانند. این مقاله به روش کتابخانه ای بر اساس آموزه های قرآنی و با رویکرد تحلیلی-انتقادی به بررسی دیدگاه منکران مشروعیت علم دینی و به صورت ویژه اسلامی سازی علوم در قالب پاسخ به شبهات پرداخته است. شبهات مستخرج از دیدگاه منکران در محورهای علمی و عقلانی نبودن علم دینی، ایدئولوژیک سازی علوم و وابسته بودن آن به حاکمیت، پیچیده بودن شرایط امروزی و کاستی مبانی دینی، متروک شدن اسلامی سازی علوم، تقدس علوم منتسب به اسلام و انسداد باب نقد و ناکارآمد شدن آن، وجود اختلافات گسترده میان صاحب نظران و حیرت در زمینه اسلامی سازی علوم، لغویت علوم انسانی اسلامی یا عدم اقبال به آن، دخالت ناروا در علوم تجربی و ابهام در نحوه تأثیر آموزه های وحیانی بر علوم تجربی بشری قابل دسته بندی است که در این مقاله بر مبنای آموزه های قرآنی و استدلال عقلایی بدان ها پاسخ داده شد. نتیجه آنکه تأسیس علم دینی امری مشروع و مجاز است و عدم فهم صحیح از آن، فرایند تحقق و کاستی ها یا کوتاهی های صورت گرفته در این زمینه موجب تشکیک در جواز و مشروعیت اصل آن نمی شود.

استناد: اسدی نسب، محمدعلی و پیشوایی، فریده (۱۴۰۳). نقد دیدگاه منکران مشروعیت علم دینی از منظر قرآن (با رویکرد پاسخ به شبهات). *فلسفه دین*، ۲۱ (۴)، ۲۸۵-۳۰۰.

<http://doi.org/10.22059/jpht.2025.378772.1006059>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2025.378772.1006059>

© نویسندگان



مقدمه

یکی از حوزه‌های مطالعاتی در دهه‌های اخیر که از اهداف انقلاب اسلامی ایران نیز به شمار می‌آید تأسیس علم دینی و به دنبال آن اسلامی‌سازی علوم انسانی در قبال روایت لیبرالی و ترجمه‌ای از علوم انسانی است که غالباً برگرفته از جهان‌بینی مادی غرب و در تعارض با مبانی و آموزه‌های قرآنی و مخالف با حرکت نظام اسلامی است که از طرف برخی از روشنفکران سکولار، مانند دکتر سروش و مصطفی ملکیان و مهندس بازرگان و مانند آن‌ها، بیان شده است. اما، از دید محققان اسلامی، اهمیت اسلامی‌سازی علوم تا جایی است که در سند الگوی پایه اسلامی- ایرانی پیشرفت و تقویت و گسترش تولید علمی اصیل و بومی و مفید در رشته‌های علوم انسانی با بهره‌گیری از مبانی و منابع اسلامی و دستاوردهای بشری از تدابیر پیشنهادی است و چشم‌انداز ترسیم‌شده این است که تا سال ۱۴۴۴ ایران به کشوری پیشتاز در تولید علوم انسانی- اسلامی تبدیل شود. (← سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت <https://bayanbox.ir/view/>). این مهم در قرن حاضر به شکل منسجم مطمح نظر اندیشمندان مسلمان در کشورهای عربی، مانند نقیب عطاس، بوده و در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نیز توسط متفکرانی از جمله شهید مطهری و شهید صدر دنبال می‌شده است. به جهت اهمیت موضوع و ضرورت پژوهش در این حیطه، پس از پیروزی انقلاب، به منظور اسلامی کردن دانشگاه‌ها، این امر به صورت یک راهبرد مورد اهتمام مراکز متعدد آموزشی و پژوهشی بوده و آثار درخور توجهی نیز درباره چپستی، ضرورت، امکان، و روش اسلامی‌سازی علوم منتشر شده است. یکی از مباحث بنیادین در موضوع علم دینی جواز و مشروعیت و تأسیس علم دینی است و طبیعتاً تبیین آن در گرو پیگیری دلایل اثباتی از یک سو و پاسخ به سؤالات و دفع یا رفع شبهات به‌ویژه شبهات مخالفان در ابعاد مسئله مورد نظر بر مبانی آموزه‌های قرآنی و اصول عقلایی از سوی دیگر است. از این رو، مقاله حاضر با روش کتابخانه‌ای و رویکرد تحلیلی- انتقادی درصدد نقد شبهات در زمینه مشروعیت علم دینی است و به این پرسش پاسخ می‌دهد که در زمینه مشروعیت علم دینی و اسلامی‌سازی علوم چه شبهاتی مطرح است و پاسخ به آن‌ها چیست.

درباره پیشینه این موضوع گفتنی است مقاله «مروری انتقادی بر آرای موافق و مخالف علوم انسانی اسلامی» (حیدری، ۱۳۹۷) تصویری کلی از دغدغه‌ها و استدلال‌های موافقان و مخالفان این ایده ارائه کرده و این نتیجه حاصل شده که فارغ از اینکه طرح علوم انسانی- اسلامی در ارائه مجموعه نظریاتی منسجم موفق یا ناموفق بوده این طرح هم‌اکنون بیش از هر چیز نیازمند تولید محتوای علمی و فعالیت آکادمیک است تا بتواند جایگاه خود را در فضای دانشگاهی مستحکم کند (علی‌تبار، ۱۴۰۲). نیز خاستگاه و مبادی شبهات علم دینی را به صورت کلی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که مبادی اصلی شبهات علم دینی ریشه در نوع دین‌شناسی و علم‌شناسی و روش‌شناسی دارد. برخی مقالات منتشرشده نیز ناظر بر نقد سایر ابعاد موضوع یا نقد بر اساس دیدگاهی خاص هستند؛ مانند مقاله «نقدی بر رویکردهای امکان و تولید علم دینی» (نورعلی‌زاده، ۱۳۹۶)، «ارزیابی ادله انکار علم دینی بر اساس دیدگاه عبدالکریم سروش» (شه‌گلی، ۱۳۹۹)، «نقد ادله ناممکن‌انگاری علم دینی» (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۷). در مجموع، پژوهشی که هم‌سو با مقاله حاضر به شبهات ناظر بر جواز و مشروعیت علم دینی پرداخته باشد یافت نشد و مقاله از حیث پاسخگویی به شبهات یک بعد خاص از موضوع علم دینی با رویکرد قرآنی نوآوری دارد.

مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به بحث، تبیین مراد از واژگان کلیدی مقاله ضروری است.

علوم انسانی- اسلامی. در این نوشتار به نظر نگارنده منظور از علوم انسانی- اسلامی مجموعه‌های معرفتی حاصل از گزاره‌هایی نظام‌مند، توصیفی، یا توصیه‌ای اسلام است که برگرفته از منابع چهارگانه شناخت و مرتبط با ماهیت فرافیزیکی انسان و چگونگی و علل و پیامدهای صفات روحی و فعالیت‌های ارادی او، اعم از ذهنی و رفتاری در سطح فردی و اجتماعی، باشد که به منظور شناخت، پیش‌بینی، هدایت، و مدیریت انسان و جامعه بشری به سوی کمالات معنوی مورد نظر قرآن سامان می‌یابند. در این تعریف، توصیف (بیان واقعیت خارجی)، تبیین (بیان علت)، تفسیر (فهم انگیزه)، پیش‌بینی (در روابط انسانی در آینده

چه اتفاقی رخ خواهد داد)، اصلاح (بهره‌برداری از نتایج حاصله جهت تحول و اصلاح روابط انسانی) در عرصه کنش‌های انسانی (و نه فیزیکی و زیست حیوانی) لحاظ شده است.

لازمه تعریف بیان شده آن است که آن دسته از علومی که علاوه بر بهره‌مندی از تجربیات اطمینان‌بخش بشری از مبانی و گزاره‌های دینی نیز سیراب شده و بر اساس آن‌ها قوام یافته باشند می‌توانند اسلامی باشند. بنابراین، مثلاً حقوق در صورتی اسلامی خواهد شد که مبانی و نیز گزاره‌های اسلامی مرتبط با آن در آن لحاظ شده و هیچ نوع مخالفی با دیگر آموزه‌های اسلامی نداشته باشد. پشتوانه این تعریف صحت سلب اسلامی بودن آن در صورت فقدان یکی از قیود یادشده است.

مشروعیت. واژه مشروعیت، چون از حیث لغوی برگرفته از شرع است، به «اعتبار شرعی بخشیدن» و «ارزش شرعی دادن» معنا می‌شود و مقابل آن منع و عدم جواز قرار می‌گیرد. این واژه زمانی که در مورد علم دینی به کار رود از حیث لغوی به معنای جواز شرعی تأسیس علم دینی خواهد بود. اما در این مقاله دایره مفهومی این واژه وسیع‌تر در نظر گرفته شده و جواز عقلی و عرفی هم مد نظر است.

شبهات مستخرج از دیدگاه منکران مشروعیت علم دینی

این شبهات، که دارای حیثیات مختلف‌اند و گاه به صورت مستقیم و گاه به صورت التزامی از منظر طراحان آن بر مشروعیت نداشتن علم دینی دلالت می‌کنند، در نه بند بدین شرح‌اند:

شبهه اول. مافوق همه چیز دانستن علم و عقلانی نبودن علم دینی

برخی از منکران مشروعیت علم دینی معتقدند چیزی بالاتر از علم وجود ندارد. دکتر سروش می‌گوید عرصه عمومی جایگاه علمی اندیشیدن و به شیوه علمی مدیریت کردن است. مقتضای چنین امری این است که هیچ چیز فوق چون‌وچرا نباشد و نقد و نظارت را در مقابل علم قرار ندهیم و از مدیران و مردم علم کورکورانه و غیر عقلانی را طلب نکنیم. بر این اساس است که حکومت سکولار فقط تعریف سلبی ندارد؛ بلکه وصف ایجابی نقد و نظارت هم دارد. بنابراین می‌توانیم سکولاریسم را به این معنا هم بگیریم که در عرصه سیاست هیچ امر و ارزش مافوق چون‌وچرا وجود ندارد (سروش، ۱۳۹۲: ۴۲۸ - ۴۲۹).

نقد

این شبهه ناشی از عدم توجه به مبانی علم دینی به‌ویژه علوم انسانی-اسلامی و تنوع منابع معرفتی و تکثر روش‌شناختی آن است. باید توجه داشت علوم دینی در بعد روشی از عقلانیت خاصی برخوردارند و هر آنچه را عقل‌محور و حق‌پذیر باشد می‌پذیرند. از این رو، مادام که هر علمی از حقانیت برخوردار باشد جای هیچ‌گونه نگرانی برای آن نیست. علاوه بر آن، در پاسخ به این شبهه توجه به چند مورد ضروری است:

۱. شمول منابع دینی بر تجربه

اگر در دیدگاه یادشده منظور از «علمی عمل کردن» تجربی بودن باشد باید گفت تجربه یکی از منابع دینی است و انحصار در آن نه عقلاً نه شرعاً دلیل ندارد. مثلاً قائلان به اسلامی‌سازی علوم معتقدند جامعه را باید با عقل اداره کرد و هر جا منبعی عقلانی بود می‌توان با تأیید آن جامعه را اداره و علوم انسانی را بر اساس قواعد مورد تأیید عقل تأسیس کرد.

۲. عقلانیت علم دینی و نقدپذیری آن

مفسران اسلامی علم را معتبر و پیروی از آن را لازم و راه غیر علمی را خرافی می‌دانند و در عین حال سکولاریسم را امری باطل و جدایی دین از عرصه‌های علم، به‌ویژه علوم انسانی-ارزشی، را ناروا می‌شمارند. علامه در ضرورت پیروی از علم ذیل آیه «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَ لَا يَهْتَدُونَ.» (بقره/ ۱۷۰)، بعد از تقسیم علوم به نظری و عملی می‌گوید: «در قسم اول راه تشخیص افکار صحیح از افکار و عقاید ناصحیح تنها پیروی علم و یقینی است که از راه برهان و یا حس حاصل می‌شود و در قسم دوم راه منحصر در تجربه است؛ یعنی آن عملی را باید صحیح

بدانیم که سعادت انسان را تأمین کند و یا حداقل در تأمین آن نافع باشد و عملی را باطل بدانیم که بدانیم یا به شقاوت آدمی منجر می‌شود و یا برای سعادتش مضر است و اما در قسم اول اعتقاد به آنچه علم به حقانیتش نداریم و در قسم دوم اعتقاد به آنچه نمی‌دانیم خیر است یا شر چنین اعتقاداتی جزء خرافات است.» (طباطبایی، ۱۳۵۴، ج ۱: ۴۲۱ - ۴۲۲).

پس، اعتقاد باید بر اساس علم یقینی باشد. در منطق دین و طبق آموزه‌های قرآنی تنها چیزی که باید حاکم بر ذهن و عمل انسان‌ها باشد عقل است و حتی در مسائل مبنایی در عرصه اعتقادات باید همه سخنان و نقدها را شنید و بهترین آن‌ها را انتخاب کرد. از این رو، قرآن مؤمنان را دعوت می‌کند تا آنچه از منظر عقل بهترین است بگیرند و بدان عمل کنند: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ.» (زمر/ ۱۷ - ۱۸). البته اگر نقل و حس نیز گاهی در کنار عقل طرح می‌شود باز بر اساس مبانی مورد قبول عقل است و تا قضایای حسی و نقلی با عقل، ولو با واسطه، تأیید نشوند از حس و نقل کاری بر نمی‌آید. زیرا پشتوانه هر گزاره نقلی (آیات و روایات) همواره قضیه‌ای عقلی است و باید در مورد هر قضیه‌ای بتوانیم چنین قیاسی را تشکیل دهیم: «این گزاره گفته معصوم (قرآن و سنت) است و همه گفته‌های معصوم حق است. پس این قضیه حق است.» بنابراین، هر سخنی که با واسطه یا بدون واسطه مستند به عقل باشد معتبر و از منظر قرآن امری مقرون به صواب است. با پذیرش عقلانیت علم دینی و نقدپذیری آن به عنوان یک مبنا شبهه‌یاد شده اساساً مردود است.

۳. توسعه یافتگی علم در پرتو قرآن

بر اساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی همه موجودات و فعل و انفعال آن‌ها، از جمله انسان با همه خصوصیاتش، مخلوق و فعل خدا هستند و در علوم طبیعی یا انسانی ولو با روش تجربی هر اطلاع و گزاره‌ای حاصل شود امری مطلوب و مبارک است و باید در نظام علم دینی جای گیرد و اعتقاد به علم دینی و ضرورت تأسیس و پرداختن به آن به این معنا نیست که پژوهش‌های تجربی بی‌ارزش‌اند و باید آن‌ها را تعطیل کرد. همه پژوهش‌هایی که در مراکز پژوهشی و آموزشی انجام می‌گیرد، در صورت برخورداری از اعتبار علمی لازم، قابل استفاده و استناد و در حد خود ارزشمندند و اگر احیاناً میان یافته‌های تجربی و گزاره‌های دینی ناسازگاری رخ دهد با قواعد عقلی باید میان آن دو به قضاوت نشست. اقتضای علم دینی آن است که نباید به بهانه تجربی بودن علوم آموزه‌های وحیانی و دین را کنار گذاشت و تصور کرد که تنها یک راه و یک روزنه به جهان خارج داریم و آن تجربه است و با این پندار که دیگر روش‌های شناخت نامعتبرند خود را از آن‌ها محروم سازیم. پس، هم نباید از دستاوردهای علوم تجربی غافل شد هم نباید همه دستاوردهای کنونی علوم انسانی تجربی را مسلم و همه آن‌ها را پذیرفتنی و بدون چون‌وچرا دانست؛ بلکه باید در جهت نقد و پیرایش و تکمیل آن‌ها به صورت جدی تلاش کرد و به لحاظ زیرساخت‌های جهان‌شناختی، معرفت‌شناختی، روش‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، و نیز ارزش‌شناختی به تجزیه و تحلیل و پیرایش و اصلاح و تکمیل آن‌ها همت گماشت.

بنابراین، رشد علوم بشری در سایه علوم وحیانی نه تنها متوقف نمی‌شود، بلکه هم آن را منطقی می‌کند هم توسعه می‌دهد. زیرا در قرآن علم معتبر است. اما منابع علم نیز فراتر از حس و آزمون است. از این رو، قرآن درباره کسانی که تنها به حس و طبیعت و حیات دنیوی می‌نگرند و از منابع معرفتی دیگر بهره نمی‌برند و به ماوراء نمی‌اندیشند می‌فرماید: «فَأَعْرَضَ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا، ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى.» (نجم / ۲۹ - ۳۰)؛ «پس حال که چنین است از این‌ها که از ذکر ما روی می‌گردانند و جز زندگی مادی دنیا را نمی‌طلبند اعراض کن. این اعراض از ذکر ما آخرین حد آگاهی آن‌ها است. پروردگار تو کسانی را که از راه او گمراه شده‌اند به‌خوبی می‌شناسد و هدایت‌یافتگان را از همه بهتر می‌داند.» این آیه کسانی را که علم را تنها منحصر در تجربه و حس و محدود به دنیا و عالم محسوس دانسته‌اند گمراه قلمداد می‌کند و به صورت التزامی بر لزوم جامع‌نگری بودن علوم انسانی دلالت دارد. با توجه به ویژگی‌های یادشده، می‌توان به جواز علم دینی فتوا داد.

شبهه دوم. ایدئولوژیک‌سازی علوم و وابسته بودن آن به حاکمیت

دیدگاه دیگری که در زمینه عدم مشروعیت علوم انسانی - اسلامی مطرح است، ضمن نفی اصالت آن، این دسته از علوم را موقتی

و وابسته به قدرت حاکم معرفی می‌کند. قائلان به این دیدگاه معتقدند مسئله تولید علم دینی همانند ایدئولوژیک‌سازی علوم است که مارکسیست‌ها آن را طرح کردند و شکست خوردند. در جمهوری اسلامی هم منشأ طرح آن تبدیل شدن اسلام به قدرت است. این قدرت است که به هیچ حدی راضی نیست و می‌خواهد همه عرصه‌ها را در انحصار خود قرار دهد. یکی از قائلان این دیدگاه می‌گوید: «نگرانی من این است که اسلام در حال تبدیل شدن به گفتمان قدرت است و این قدرت قصد نفوذ در همه حوزه‌ها را دارد؛ که از جمله آن‌ها علوم انسانی است. این مسئله بسیار خطرناک است و گون از آن به مواجهه ماتریالیسم با سنت تاریخی یاد می‌کند.» (— شریفی، ۱۳۹۳: ۶۳).

نقد

پاسخی که به این شبهه می‌توان داد بدین شرح است:

۱. فرازمانی و فرامکانی بودن علم دینی

مسئله علم دینی برخاسته از متن و اهداف آموزه‌های وحیانی است که بر مبنای فطرت الهی همه انسان‌ها و فارغ از مرزهای جغرافیایی و مختصات زمانی و مکانی است (— بقره/ ۱۸۵؛ فرقان/ ۱؛ سبأ/ ۲۸؛ ابراهیم/ ۵۲؛ مدثر/ ۳۶). اما توجه به این نکته هم ضروری است که تحقق آموزه‌های اسلامی در جامعه ممکن نیست، مگر اینکه آموزه‌ها با علوم انسانی دانشگاه‌ها و مراکز تعلیمی به شکل منطقی درهم‌آمیزد. نمی‌شود هر یک از این دو حوزه کار خود را انجام دهد. زیرا مشترکات و تضادهایی بین آن‌هاست که باید برای مؤمنان حل شود و در نظر و عمل مشکلی ایجاد نشود. بنابراین، ذات علم دینی به انقلاب اسلامی و حاکمیت اسلامی وابسته نیست و قابل طرح در هر جامعه‌ای است و منطقاً بین این حرکت و قدرت حاکم رابطه‌ای نیست. از این رو، قبل از انقلاب نیز در این زمینه در کشورهای مختلف تلاش‌هایی صورت گرفته است و اکنون هم صورت می‌گیرد. اما طبیعی است در حکومتی که بر اساس آموزه‌های اسلامی اداره می‌شود بستر تحقق این امر آماده‌تر و دستیابی به آن سهل‌الوصول‌تر باشد.

۲. تعمیم اشکال فوق به علوم انسانی غربی

این اشکال که اسلامی‌سازی علوم به قدرت وابسته‌اند درباره علوم انسانی غربی هم صادق است. زیرا این علوم نیز محصول سلطه نظام‌های غربی‌اند که دین را کنار زدند و به جای خدامحوری اومانیزم را محور خود قرار دادند و در نتیجه روش‌های غیر مادی را کنار نهادند و برای همه بشریت نسخه‌ای مادی و تجربی پیچیدند.

به گفته ویلیام چیتیک، پروفیسور امریکایی، به‌رغم دعوی دانشمندان در خصوص بی‌طرفی شناسایی علمی جدید اساس این علم شناسایی برای سلطه و تصرف است. در مقابل، اساس علم در عالم ماقبل تجدد شناسایی برای ادراک بود. لازمه دست یافتن به علم برای سلطه و تصرف این است که هر گونه رابطه‌ای میان شناسایی جهان و اخلاق انکار شود. این امر در تفکر غربی با نفی هر گونه نسبتی میان «واقعیت» و «خیر»، که از نام‌های مهم خداوند است، تحقق یافت و نتیجه نهایی این تفکر آن شد که راسیونالیته علمی جایی برای تشخیص اخلاقی باقی نگذاشت (چیتیک، ۱۳۸۰: ۴).

۳. ریشه داشتن علم دینی در آموزه‌های دین

با مراجعه به متون آموزه‌های وحیانی درمی‌یابیم که علوم انسانی امر عارضی نیست و مقتضای ذاتی این آموزه‌هاست و برخاسته از قدرت‌طلبی نظام حاکم شمرده نمی‌شود. در پژوهش‌های متعدد ثابت شده علوم انسانی-اسلامی با عنایت به مسائل مبنایی و بنایی قرآن کریم برخاسته از خود این کتاب الهی است و چیز دیگری مولد آن نیست؛ گرچه انقلاب اسلامی ایران راه عملی آن را هموار کرده است.

شبهه سوم. پیچیده بودن شرایط امروزی و کاستی مبانی فقهاتی و وحیانی

برخی دیگر از منکران اسلامی‌سازی علوم انسانی با مقایسه جوامع گذشته و عصر حاضر و بیان تفاوت‌ها و پیچیده بودن شرایط

امروزی جواز تأسیس علم دینی را انکار کرده‌اند. یکی از اینان می‌گوید: «سامان‌بخشی و مشکل‌زدایی و فراغت‌آفرینی فقه مخصوص جوامعی ساده و تحول و تشعب‌نیافته بود که روابطی ساده و حاجاتی اندک آدمیان را به یک‌دیگر پیوند می‌داد ... قانونمندی حیات جامعه و بازار و خانواده و حرفه و حکومت هنوز کشف نشده بود و فرمان سلطان و فقیه به جای فرمان علم نشسته بود و لذا گمان می‌رفت هر جا مشکلی رخ دهد به سرپنجه احکام فقهی گشوده خواهد شد. برای محتکران حکم فقهی هست تا احتکارشان را ریشه‌کن کند. زانین، راهزنان، مفسدان، گران‌فروشان، و دیگر نابکاران نیز هر کدام با حکم فقهی درو یا دارو خواهند شد. هنوز روش علمی حل مسائل و مدیریت علمی جامعه اندیشه‌ای ناآشنا بود. مدیریت مألوف و معروف مدیریت فقیه بود و بس. لکن، امروزه مگر می‌توان انکار کرد که غوغای صنعت و تجارت و غبار روابط تیره سیاسی جهان را فقه فرو نمی‌نشانند و تحول عظیم مشکلات بشر امروز را فقه مهار نمی‌کند؟!» (سروش، ۱۳۷۳: ۵۴ - ۵۵). یا ادعا می‌کنند: «پیام اصلی دین آباد کردن این جهان نیست. دین نیامده وعده‌های این جهانی بدهد. یک آیه در هیچ متن مقدسی نداریم که وعده این جهانی دهد. هیچ دینی نمی‌گوید من آمده‌ام جامعه‌ای از لحاظ اقتصادی، سیاست، خانواده، و حقوق سامان دهم؛ بلکه درست خلاف این را گفته. دین آمده درون ما آدمیان را آباد کند.» (ملکیان، ۱۳۸۵: ۵۱).

محمدسعید العشماوی، دیگر نظریه‌پرداز سکولاریسم اسلامی، اصطلاح «اسلام تاریخی» را در برابر «اسلام حقیقی» به کار می‌برد که در آن دین برای اهداف سیاسی نیست (عشماوی، ۱۹۹۶: ۱۱۸). از نظر خلیل عبدالکریم این مسئله بدیهی است که شأن اسلام دینی، نه اسلام تاریخی و قومی و فرهنگی، ایجاد دولت سیاسی نیست؛ بلکه شأن او شأن ادیان آسمانی گذشته است و نصوص دینی یعنی قرآن و سنت نبوی درباره آن ساکت‌اند (شه‌گلی، ۱۳۹۹؛ عبدالکریم، ۱۹۹۵: ۱۳).

نقد

طرح این اشکال ناشی از عدم توجه به چند مورد است:

۱. سازگاری آموزه‌های ثابت قرآنی با تحول و گسترش علوم

اصل دین و آموزه‌های وحیانی و حتی حلال‌ها و حرام‌های بیان شده در قرآن و روایات هم امری ثابت‌اند. اما نوعی انعطاف معقول در آن‌ها وجود دارد که تغییر در آن‌ها به اقتضای مسائل نوظهور را امکان‌پذیر می‌سازد. این تغییرها در قلمروهای مختلفی به علل متنوعی، از جمله پیشرفت جوامع، می‌تواند اتفاق افتد؛ مانند: ۱. تغییر موضوع که تغییر حکم را در پی دارد؛ ۲. پیدا کردن دلیل جدید یا بطلان دلیل قدیم یا هر دو در نتیجه تغییر برداشت گذشته؛ ۳. تغییر مصالح و مفاسد و رعایت قاعده‌الاهم فالهمم و ضروریات فردی و اجتماعی. پس، اصل دین ثابت است. اما آنچه می‌فهمیم و به عنوان آموزه‌های دینی می‌دانیم مجموعه‌ای مطلقاً ایستا و غیر منعطف نیست. چون سازکارهایی در قواعد استنباط آموزه‌های دینی تعبیه شده که آن را با ظروف و شرایط مختلف انطباق‌پذیر می‌سازد. آموزه‌های وحیانی با توجه به وجود عناصر جهان‌شمول و موقعیتی در آن در بُعد ثابت و متغیر حیات فرد و جامعه می‌تواند راهنما و مرجع باشد. وجود روش اجتهاد، که شیوه‌ای معیار برای فهم دین است، هم صحت و اتقان برداشت‌های دینی را تأمین می‌کند هم امکان پاسخ به پرسش‌های جدید را فراهم می‌آورد. از طرف دیگر، کاربرد فقه و مراجعه به آن به معنای طرد علوم و دانش‌ها نیست؛ بلکه به تناسب هر موردی باید به دانش‌های لازم در آن زمینه مراجعه کرد و در حوزه آموزه‌های متغیر دین این علم است که نقش اصلی را در نحوه تحقق عناصر جهان‌شمول ایفا می‌کند. پس، نه زمان مراجعه به فقه گذشته نه رجوع به فقه مانع بهره‌گیری از علوم است؛ بلکه در واقع مدیریت فقهی به‌کارگیری توانایی‌های دانش بشری در رسیدن به اهداف و آرمان‌های دینی است (← هادوی تهرانی، ۱۳۸۵: ۴۰۳ - ۴۰۴؛ هادوی تهرانی، ۱۳۷۷: ۶۱ - ۶۴). تفسیر استنباطی شهید صدر یکی از راهکارهای مفید در این زمینه خواهد بود (صدر، ۱۴۲۱: ۲۴ و غیره).

۲. ظرفیت‌های فقه پویا و تخصصی

طبیعتاً، متناسب با به‌روز شدن موضوعات و حادث شدن مسائل جدید، باید در علم فقه و قلمرو موضوعاتش تجدیدنظر کرد که از آن به فقه پویا یاد می‌شود و مراد اجتهاد در مسائل نوپدید بر اساس بنیان‌های فقه سنتی و اجتهاد جواهری است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «ما در زمینه علوم اسلامی باید پیشرفت پیدا کنیم. ما در زمینه فقه نیاز داریم به اینکه نگاه نویی را به مسائل فقهی مطرح کنیم. آنچه آقایان اشاره کردند- فقه‌های تخصصی- در این جهت

است. در بخش‌های مختلف اداره کشور و اداره جوامع بشری فقه می‌تواند حرف تازه داشته باشد. فقه اسلام می‌تواند حرف نویی را ارائه کند و مطرح کند. باید در این زمینه‌ها کار کنیم. این کار فقه است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۲/۲۲).

شبهه چهارم. متروک شدن اسلامی‌سازی علوم و عدم مقبولیت آن

از اشکالات مطرح در انکار جواز علم دینی و به تبع آن اسلامی‌سازی علوم این است که برخی معتقدند اگر اسلام دینی مترقی می‌بود و قوانینش برای اصلاح و اداره جامعه شایستگی داشت و بر تدوین علوم انسانی برای هدایت بشر توانمند بود، برای خود در جامعه جایی باز می‌کرد و متروک نمی‌شد. بنابراین، فرایند اسلامی‌سازی علوم مجاز نیست و نباید پیگیری شود (← طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۰۶).

نقد

این شبهه، که ناظر به آنچه در واقعیت رخ داده مطرح شده، در چند محور قابل پاسخ دادن است:

۱. عدم وابستگی میان مقبولیت علم دینی با حقانیت آن

اینکه علم یا گزاره‌ای مورد قبول مردم یا حتی محافل علمی قرار نگیرد نشان‌دهنده عدم حقانیت و در نتیجه عدم مشروعیت آن نیست. زیرا چنین مسئله‌ای می‌تواند دلایل مختلف داشته باشد؛ مانند دلایل روان‌شناختی، سیاسی، اخلاقی، اعتقادی، تبلیغاتی. حتی ممکن است امری بدیهی یا نزدیک به بداهت باشد؛ اما برای مدتی مدید متروک و رها شود. این رخداد بیرونی ارتباطی با حقانیت و مشروعیت آن ندارد؛ چنان که ممکن است قرآن مهجور باشد: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا.» (فرقان / ۳۰)؛ «پیامبر به پیشگاه خدا عرضه داشت پروردگارا این قوم من قرآن را ترک گفتند و از آن دوری جستند».

۲. نجات‌بخش نبودن علوم انسانی غربی

اگر عدم پیشرفت در جامعه به سبب انحطاط قوانین اسلام و قوانین بشری و دموکراسی منهای دین نجات‌بخش است، چرا روش دموکراسی مترقی غربی و علوم انسانی مربوطه که بیشتر از نیم‌قرن است در بسیاری کشورهای اسلامی و افریقایی پذیرفته شده کمترین تأثیری در پیشرفت آنان نکرده و جز صورت‌سازی اثری نداشته است؟ چرا در اروپا و امریکا این همه مشکلات روحی و روانی و اجتماعی مانند خودکشی وجود دارد؟ چرا دنیای متمدن غربی نتوانسته در بیش از نیم قرن گذشته مشکل ملل مختلف، از جمله ملت مظلوم فلسطین و افریقا، را حل کند؟ (← طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۰۶ - ۳۰۷). مطابق آمارها در دنیایی که با علم اقتصاد غربی اداره می‌شود در دهه ۱۹۶۰ میلادی درآمد پنج دهک ثروتمند ۳۰ برابر پنج دهک فقیر دنیا بود. اما این نسبت پس از آن ۸۰ برابر شد. بر اساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۸ میلادی این نسبت به ۱۱۴ برابر رسیده است. همچنین، گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۸ میلادی درباره فقر ۱۱۵ کشور جهان حاکی از آن است که وضعیت فقر وسعت و عمق بیشتری پیدا کرده و تعداد فقیران، به‌ویژه افراد دچار فقر شدید، افزایش یافته است (یوسفی، ۱۳۹۵: ۳۸۳ و ۳۸۵).

۳. مهجوریت علم دینی، مولود عملکرد ناصحیح مسلمانان

باید توجه داشت اینکه در برخی جوامع اسلامی آموزه‌های دینی و قرآنی جایی برای خود باز نکرده از نظر منطقی این نتیجه را نمی‌دهد که آموزه‌های وحیانی برای اندراج در علوم انسانی بی‌فایده و ناکارآمد است. زیرا ممکن است عملکرد مسلمانان صحیح نباشد یا در گذشته امکانات لازم را برای عملی ساختن آن نداشته‌اند یا موانع بسیاری از سوی سردمداران داخلی و جهانی سبب این وضع شده است. آموزه‌های قرآنی نه تنها موجب عقب‌ماندگی جوامع بشری و مانع رشد علوم نمی‌شود، بلکه سبب شکوفایی جوامع و علوم انسانی می‌شود. از این رو، قرآن کار پیامبر^(ص) را چنین بازگو می‌کند: «يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.» (اعراف / ۱۵۷). این آیه با صراحت بیان می‌دارد که آموزه‌های قرآنی در صورت تحقق در جامعه موجب نورانیت جوامع بشری خواهد شد و افراد را از ظلمت و قید و بند جاهلی به نورانیت و رها شدن از غل و زنجیرهای اسارت‌آور می‌کشاند.

شبهه پنجم. تقدس علوم منتسب به وحی الهی، انسداد باب نقد و ناکارآمد شدن آن

در این شبهه، منکران مشروعیت علوم اسلامی معتقدند علوم انسانی وقتی اسلامی و منتسب به قرآن شود هاله‌ای از تقدس بر آن می‌نشیند و دیگر نقدناپذیر می‌شود. زیرا با ایمان مردم مؤمن گره می‌خورد و در نتیجه از رشد و بالندگی خارج می‌شود و به دلیل فرض تقدس علوم انسانی- اسلامی دارای موانع و خطوط قرمز و غیر قابل تغییر می‌شود (← سروش، ۱۳۷۳: ۵۴ - ۵۵).

نقد

این شبهه ناشی از عدم فهم صحیح از اسلامی‌سازی علوم است. در پاسخ به این شبهه به مواردی باید توجه کرد:

۱. جایز الخطا بودن انسان و در نتیجه قابل نقد بودن علوم وحیانی

همه علوم اسلامی، گرچه بخشی از منابع آن وحیانی است، چون برخاسته از فکر بشرند جایز الخطا و در نتیجه قابل نقد هستند و کسی از موافقان این امر مدعی نقدناپذیری این دسته از علوم نیست.

۲. خلط در فهم معنای تقدس علوم اسلامی

تقدس علوم انسانی بدین معنا نیست که این علوم قابل نقد نیستند، بلکه منظور تقدس در هدف و انگیزه خدایی عالمان این علوم و هدف خود علوم است. زیرا فرض آن است که معمولاً هدف علوم بشری بریده از دین و برخاسته از شهوات رفاه دنیوی و لذت‌گرایی مادی است؛ اما هدف عالمان علوم انسانی وصول خود و دیگران به سعادت معنوی ابدی است و خود این علوم هم به طور طبیعی چون فراهم‌آورنده زمینه هدایت الهی و سعادت‌اند علمی مقدس‌اند. استاد جوادی بر آن‌اند که تقدس یک مفهوم آن‌گاه معلوم می‌شود که نه تنها شبهات و سؤالات موجود درباره آن پاسخ داده شده باشد، بلکه با اقامه برهان و استدلال و استفاده از مقدمات بین یا مبین زمینه شبهات و سؤالات محتمل نیز خشکیده باشد. پس، معرفت‌شناس در وصف‌ها و توصیه‌های خود به عالمان علوم تقدس را به عنوان سدی برای نقدهای علمی معرفی نمی‌کند، بلکه وصول به آن را تنها پس از گذر و گذار از همه شبهات و سؤالات موجود و محتمل ممکن و میسر می‌داند و البته قبل از وصول به این مرتبه، گرچه از وجود یک قضیه و مفهوم مقدس به طور قطع خبر نمی‌دهد، فقدان و نبود آن را نیز الزاماً اعلام نمی‌کند و تا زمانی که دلیلی بر بطلان قضیه اقامه نشده باشد از مراتب مختلف احتمال تقدس آن خبر می‌دهد و راه‌گریز از احتمال و وصول به یکی از دو طرف، یعنی حکم به تقدس یا عدم تقدس، را در گرو گذر از مراتب مختلف نقد و بررسی معرفی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۷۳). نگاه استاد جوادی به تک‌گزاره‌ها است. اما چون به مجموعه یک علم با اهدافی که در ورای آن است نگاه شود می‌توان گفت کلیت علم و کوشش‌هایی که در آن می‌شود مقدس است. چون فرایندی برای به دست آوردن خواسته‌های خداوند است.

۳. نقدپذیری علوم دینی خاص، مانند فقه و حقوق و اخلاق اسلامی

همین فرض در زمینه دیگر اضلاع معرفت دینی، مانند فقه و حقوق دینی و اخلاق اسلامی، نیز قابل طرح است و وجود چنین احتمالاتی در آن عرصه‌ها موجب اجتناب و احتراز از پرداختن بدان‌ها و نقد نشده است. علاوه بر این، مگر علوم و معارف بشری کنونی کاملاً کارآمد و گره‌گشایند که ملل و دول جهان این همه بدان اهتمام دارند؟ آیا ورود در کاوش‌های علمی، که لامحاله همراه با خبط و خطاست، موجب وهن و طعن علم و مایه عیب و عار عالمان شده است؟ علم دینی مانند سایر حوزه‌های برگرفته از دین بخشی از معرفت دینی قلمداد می‌شود و در صورت احراز خطا در آن مایه سستی معرفت ما از نصوص می‌شود، نه اصل نصوص دینی.

ما معتقدیم علم دینی همانند بقیه علوم بشری و اسلامی، چون برخاسته از ذهن و عقل بشری است، نیازمند بازنگری پیوسته و در نتیجه تطور و تکامل با عنایت به داده‌های جدید و تحولات مرتبط به موضوعات علوم است. اینکه گفته می‌شود امر دینی خود را غیر قابل نقد می‌داند یا در صورت نقد از تقدس دین کاسته می‌شود نشان‌دهنده بی‌اطلاعی از اجتهاد دینی و وضعیت تطورات پیوسته علوم اسلامی- مانند علم کلام، فلسفه اسلامی، فقه، تفسیر، و علوم دیگر- است. اینکه قرآن می‌گوید: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ.» (زمر/ ۱۷ - ۱۸) در همه موارد ساری و جاری است و هر زمان انسان نظر جدیدی یافت که از دلایل و شواهد بهتر یا بیشتری برخوردار بود، به حکم عقل، باید آن را برگیرد و بر اساس آن به بینش و عمل خود سامانی جدید دهد؛ گرچه درباره عقاید بنیادین دینی او باشد. آیه فوق هم بر همین دلالت دارد. زیرا، به شهادت سیاق، در آیه یادشده بحث از شرک و ایمان است، نه یک مسئله فرعی و کم‌اهمیت. وقتی در این

مسئله مهم اعتقادی عقل انسانی مخاطب قرار گرفته تا انسان بهترین سخن را با عقل خود بسنجد و آن را انتخاب کند، حاکمیت عقل در مسائلی که دارای چنین اهمیتی نیست روشن است.

علوم انسانی- اسلامی مانند علوم دیگر، که برخاسته از متون دینی و دیگر منابع شناخت است، مورد تأیید عقل و محکوم آن است و از این حیث فرقی با دیگر علوم اسلامی و علوم بشری ندارد. بنابراین، همان گونه که علوم بشری تطور و تکامل می‌پذیرند و نظریه‌های بهتر جای نظریه‌های نامطلوب را می‌گیرند، در علوم دینی نیز تاکنون چنین بوده و چنین خواهد بود. نگاهی کوتاه به علومی مانند تفسیر، فلسفه اسلامی، فقه، و غیره موجب اذعان به مطلب فوق خواهد بود. بنابراین، نقد علوم انسانی- اسلامی امری عادی بوده و هست و تضعیف مبانی دینی شمرده نمی‌شود.

شبهه ششم. وجود اختلافات گسترده میان صاحب‌نظران و حیرت در زمینه اسلامی‌سازی علوم

برخی با استناد به تفاوت آرا میان موافقان و مخالفان اسلامی‌سازی علوم، در جواز علم دینی به صورت کلی تشکیک کرده و گفته‌اند با توجه به اختلافات فراوانی که میان طیف گسترده صاحب‌نظران- حتی متدین- در زمینه «امکان»، «سودمندی»، «بایستگی»، و «ماهیت» علم دینی وجود دارد، خاصه تهافت و تفاوت بسیاری که بین نظرات موافقان علم دینی به چشم می‌خورد و تکافوی ادله طرفین نزاع در باب هر یک از مسئله‌های یادشده ایجاد اجماع نخبگانی، که شرط لازم تولید علم دینی است، میسر نیست و هر آنچه به عنوان علم دینی تولید شود گروهی قبول خواهند داشت و گروهی دیگر طرد خواهند کرد علم دینی مورد قبول مسلمین حاصل نخواهد شد. به تعبیر دیگر، علم دینی برای کشور ما کارایی ندارد. زیرا اگر چنین علمی در فضای جامعه ما و بر اساس قرآن و روایات، یعنی فرهنگ شیعی، شکل بگیرد، فقط برای شیعیان کارایی دارد و حتی مسلمانان غیر شیعه هم از آن بهره نمی‌برند. ممکن این است که در مقام گردآوری و نظریه‌پردازی از متون دینی بهره بگیریم. اما نمی‌توان دآوری را به یک مکتب و مذهب خاص سپرد (← ملکیان، ۱۳۸۷: ۶۶؛ رجبی، ۱۳۹۰: ۱۷).

نقد

این شبهه ناظر به تفاوت آرا در تأسیس علم دینی است که پاسخ آن بدین شرح است:

۱. لزوم تبعیت از نظر راجح مستدل به آموزه‌های قرآنی

فرض آن است که علوم انسانی- اسلامی بر اساس منطق کشف مراد خداوند و قواعد تفسیر قرآن حاصل می‌شود و همانند بقیه نظرات آموزه‌های غیر مصرح در آیات و روایات است که با بحث و بررسی می‌توان به نظری راجح دست یافت یا در مرحله عمل توافقی را حاصل کرد و مؤمنان باید به این نظرات تن دهند. زیرا در جوامع اسلامی طرح می‌شوند. همه مسلمانان بر اساس برداشت اکثریت عالمان و مفسران دینی خود حرکت اجتماعی خویش را بنا می‌نهند و بر مبنای دستورهای قرآنی سیر می‌کنند و قرآن بارها فرموده باید به آنچه خدا نازل کرده حکم نمایند و بر اساس مبانی وحیانی اندیشه و عمل خود را سامان‌دهی کنند؛ در غیر این صورت، کافر و ظالم و فاسق‌اند (مائده/ ۴۴، ۴۵، ۴۷).

۲. شباهت علم دینی با سایر علوم در لزوم تبعیت از اجماع حداکثری دانشمندان

اشکال فوق در بسیاری از مطالب غیر وحیانی نیز مطرح است. زیرا در جوامع دموکراسی نیز در موارد بسیار محکوم اقلیت قرار می‌گیرند. مثلاً اگر ۴۰ درصد از مردم در انتخابات شرکت کنند و ۶۰ درصد این تعداد به افرادی رأی دهند و از این تعداد ۶۰ درصد به قانونی رأی بدهند و مصوب شود، در واقع، حدود ۱۴ درصد از مردم آن جامعه در تصویب آن مصوبه دخیل بوده‌اند و از آن خشنودند. پس، هر قانونی وقتی قانون شد توسط حکومتی که با اکثریت رأی‌دهندگان انتخاب شده است به اجرا درمی‌آید و کسی نمی‌تواند با آن مخالفت کند. زیرا بر اساس دموکراسی فرایند خود را علی‌المفروض طی کرده است. وضع علم دینی بدون در مرحله اجرا از این منظر همانند اوضاع دیگر رشته‌های علمی است؛ بلکه از حیث مبانی طرفداران بیشتری دارد. زیرا به فرض با عقاید و ایمانشان بیشتر متناسب است.

۳. بی‌تأثیری نظر مخالفان جواز علم دینی در حقانیت آن

مخالفت گروهی با مطالب حق نه به حقانیت اصل آن نه به حقانیت ترویج آن آسیب می‌زند. از آیات بسیار استفاده می‌شود که

اختلاف نه حق ساز نه حق برانداز است. مثلاً اهل کتاب قبل از ظهور حضرت محمد (ص) می گفتند ایشان در این سرزمین مکه و مدینه مبعوث خواهد شد و آنان همراه با او خواهند شد. ولی بعد از بعثت او و نزول کتاب آسمانی صحنه عوض شد و آن‌ها در دین خدا اختلاف کردند. قرآن دربارهٔ ایشان می گوید اهل کتاب اختلاف نکردند، مگر بعد از آنکه دلیل روشن و پیامبر راستین و آشکار برای آن‌ها آمد: «وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ.» (بینه / ۴)؛ یعنی دین اسلام و وحی قرآنی بینه و حقیقتی آشکار است، اما بسیاری از اهل کتاب آن را نپذیرفتند. حال باید گفت آیا مقصر خداست که دینی را ارائه کرده که بسیاری از بشریت آن را نپذیرفته‌اند؟

۴. وجود اختلاف در همهٔ امور انسانی و فقدان ارتباط منطقی بین وجود آرای مختلف دربارهٔ علم دینی با دست کشیدن از آن اختلاف در مسئلهٔ علم انسانی و حیانی در صورت تحقق بسی کمتر از اختلافاتی است که اکنون دربارهٔ دیگر امور انسانی، از جمله عرصهٔ علوم انسانی بشری، وجود دارد؛ مانند علم پزشکی. در حیات بشر، به‌ویژه انسان معاصر، بر سر کدام امری اجماع وجود دارد؟ امروز در اکثر شئون و امور مورد نظر انسان‌ها نزاع به حدی گسترده است که در شرح آرا و انظار راجع به هر یک از آن‌ها می‌توان دایره‌المعارفی قطور تدوین کرد. آیا اختلافات گسترده و ژرف در دیگر امور موجب شده که بشر به کلی از ورود در آن عرصه‌ها دست بشوید و آن‌ها را به کناری نهد؟ یا در برخی مسائل هر اندازه اختلاف نظر بیشتر شده تلاش و تحرک نخبگان در آن افزون‌تر شده است؟

شبههٔ هفتم. بی‌تأثیر بودن علوم انسانی-اسلامی یا عدم اقبال مردم به آن

برخی بر آن‌اند که تأسیس علم انسانی اسلامی یا لغو است یا با دانش بشری متعارض است یا تداوم علم سکولار است یا موجب عدم پیشرفت خواهد بود و به گمان ایشان بیشتر موجب سرگستگی مردم خواهد شد. مثلاً، ملکیان بر آن است که به‌فرض امکان تولید علوم انسانی-اسلامی، اگر این علوم با دانش‌های موجود سازگار و همسان باشد، کار لغوی خواهد بود و این اقدام برای بشریت سودی در بر نخواهد داشت و اگر نظرات علمی دینی با نظریه‌های قطعی طرح‌شده در دانش‌های رایج در تعارض باشد پذیرفته نخواهد شد و اگر این نظرات از سوی عده‌ای پذیرفته شود باعث نزاع و موجب سرگستگی مردم خواهد شد و این با رسالت دین و غایت دانش تلائم ندارد (← ملکیان، ۱۳۸۷: ۵۹ - ۶۰).

نقد

این شبهه که ناظر به کارکرد علم دینی است ناشی از غفلت از چند مورد است:

۱. مبتنی بودن علم دینی بر آموزه‌های و حیانی

در یک پاسخ کلی می‌توان گفت آنچه بسیاری از اشکالات را رفع می‌کند این است که اصولاً علم دینی، که مبتنی بر آموزه‌های و حیانی است، بدین معناست که یافته‌های علمی به واسطهٔ آموزه‌های و حیانی تهذیب و تکمیل شوند و یافته‌های مستند و قطعی دینی متخذ از آموزه‌های و حیانی و روایی در کنار یافته‌های علوم تجربی قرار گیرند و با روشی عقلانی و اجتهادی میان آنان داوری برقرار شود و تعارض‌ها و تفاوت‌ها رفع شوند؛ همان‌گونه که میان گزاره‌ها و یافته‌های یک علم رفع تعارض می‌شود و در نتیجه نظامی نو ارائه می‌شود.

این نظام علمی ضمن آنکه با گزاره‌های دینی و مبانی اسلامی مخالفی ندارد شامل خواسته‌های خداوندی در زمینه‌های مورد نظر در علوم مربوطه است و هر زمانی که یافته‌ای جدید از دین یا علم حاصل شد به آن علم افزوده می‌شود و به همین جهت می‌توان بر آن علم دینی نام نهاد. بنابراین، علم دینی نه متعارض نه لغو است و نه سیر قهقرایی به علم می‌دهد.

بر اساس آیات قرآنی، انسان فطرتی ثابت دارد (روم / ۳۰) که طالب احکامی ثابت است. این فطرت مخلوق خداوندی است که بر همه چیز داناست و بر همین اساس آموزه‌های و حیانی هدایت‌بخش برای سعادت انسانی که خود خلق کرده فرستاده است. پس نمی‌توان گفت همه چیز تغییر می‌کند و کهنه می‌شود.

در علوم اسلامی کلام خدا، که یک حقیقت خارجی است، مورد بررسی واقع می‌شود و از این حیث فرقی با دیگر علوم حتی علوم طبیعی ندارد. از این رو، قرآن همان‌طور که به انسان‌ها دستور می‌دهد در عالم تکوین و طبیعت بی‌جان یا در انسان مطالعه

کنند (ذاریات/ ۲۱) دستور می‌دهد تا در قرآن نیز مطالعه کنند (نساء/ ۷۲) و از آن نتیجه‌گیری کنند و اینکه با مطالعه این کتاب آسمانی ممکن است در برداشت ما خطایی حاصل شود آن را غیر مجاز نمی‌کند؛ چنان که هنگام مطالعه حرکات ارادی انسان‌ها و نیز طبیعت ممکن است برداشتی ناصواب کنیم. در چنین مواردی ناگزیر باید آنچه به صواب نزدیک‌تر و از حقانیت بیشتری برخوردار است اخذ شود. از این رو، همان‌گونه که گذشت، قرآن در وصف بندگان خدا می‌فرماید: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ.» (زمر/ ۱۸)؛ یعنی بندگان خدا در هر علمی وقتی به سخن حق دیگری واقف شدند باید آن را بپذیرند و در صورت لزوم در معلومات قبلی خود تجدید نظر کنند.

۲. امکان جمع عقلایی میان علوم انسانی تجربی و علوم انسانی وحیانی

چنان که قبلاً اشاره شد، قرآن در آیاتی یافته‌های روش تجربی و روش وحیانی را معتبر و مورد تأکید قرار داده و این بدان معناست که میان علوم انسانی تجربی و علوم انسانی وحیانی نه‌تنها می‌توان جمع کرد، بلکه این ترکیب امری مبارک و موجب بالندگی هر دو است. همان‌گونه که تأیید باورهای وحیانی با یافته‌های علمی مایه تقویت دین و استواری ایمان مؤمنان می‌شود، تأیید یافته‌های علمی با آموزه‌های وحیانی نیز باعث اطمینان خاطر همگان، از جمله مؤمنان، در زمینه علم خواهد شد و این امر در کاربست و کارایی دستاوردهای علم دینی و علم رایج تأثیر مثبت بسزایی بر جای خواهد نهاد. بسا، ورود دین یا امر دینی به عرصه علم و معرفت نتیجه‌ای خلاف آنچه مطرح شد به بار آورد و زمینه‌ساز انکشاف حقایق بیشتر و رفع جهل از بشر شود. بنابراین، علم وحیانی با علم رایج هرگز نه موافق مطلق نه مخالف مطلق خواهد بود؛ علاوه بر اینکه اگر از طرق مختلف بتوان به حقیقت نزدیک شد مغتنم و ارزشمند است. تنوع طرق و تکرار ادله در مباحث علمی حسن و هنر است و هرگز بیهوده و بی‌فایده نیست؛ مگر آنکه طریق صحیح و منطقی نباشد که در این صورت، چه در کنار دلیل دیگر باشد چه نباشد، معتبر نیست. بنابراین، شبهه لغویت اسلامی‌سازی علوم از اساس رد می‌شود.

شبهه هشتم. دخالت ناروا در علوم تجربی

برخی گفته‌اند ایده اسلامی‌سازی دانش منجر شده که عده‌ای در اندیشه اندازه‌گیری درجه حرارت جهنم یا به دست آوردن ترکیبات شیمیایی جن‌ها و چپستی ساختمان وجودی و فیزیولوژیکی آن‌ها باشند یا عده‌ای از فیزیک‌دانان مدعی فیزیک اسلامی راه‌کار جبران کمبود انرژی را چنین دانسته‌اند که مثلاً از جن‌ها انرژی تولید کنند به این دلیل که جن‌ها از آتش‌اند و آتش هم انرژی است و با تولید انرژی از جن‌ها می‌توان بخشی از کمبود انرژی را در برخی از مناطق جبران کرد (← حسنی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۵۳ - ۳۵۴).

نقد

چنین سخنانی را ممکن است فردی در گوشه‌ای از جهان زده باشد، اما هیچ انسان حق‌طلبی آن را به پای طرح‌کنندگان اصلی علم دینی نمی‌گذارد و می‌داند که باید در نقد یک فکر سخنان محوری طرفداران اصلی آن فکر را مبنای قضاوت خویش قرار دهد. در غیر این صورت، می‌توان هر امر سخیفی را به هر مکتب و دینی نسبت داد. زیرا کم نیستند افرادی که منتسب به یک مکتب یا دین هستند و اظهارنظری می‌کنند، اما، سررشته‌ای از مسائل آن دین یا مکتب ندارند و طرفداران همان مکتب به اظهارنظرهای سست آنان اهمیت نمی‌دهند.

شبهه نهم. ابهام در نحوه تأثیر آموزه‌های وحیانی بر علوم تجربی بشری

بسیاری از مخالفت‌ها با علوم انسانی اسلامی برخاسته از ابهام در نحوه تأثیر آموزه‌های وحیانی بر علوم انسانی بشری است. مخالفان بارها گفته‌اند وقتی علوم تجربی بر پایه حقایق خارجی استوارند و نتیجه مشاهدات عینی شمرده می‌شوند، دیگر مطلبی با روش دیگری نباید با آن مخلوط شود. زیرا آنچه با این علوم مخلوط می‌شود یا تجربه‌پذیر است یا تجربه‌ناپذیر. اگر تجربه‌پذیر باشد با علوم انسانی چیزی افزوده نمی‌شود. زیرا هر امر تجربه‌پذیر را با تجربه می‌سنجیم و در صورت تأیید تجربی آن را در علوم تجربی می‌گنجانیم. اگر تجربه‌پذیر نباشد امکان پذیرش ندارد.

نقد

در پاسخ این اشکال باید دو مطلب را متذکر شویم:

۱. بی‌استواری جمود بر روش تجربی محض

جمود بر روش تجربی محض پایه استواری ندارد و انکار روش‌های دیگر به دلایلی بسیار مردود است. این امر در منابعی از جمله کتاب باارزش فلسفتنا، اثر شهید صدر، نیز کتاب آموز فلسفه، اثر استاد مصباح، بررسی شده است.

۲. برقرار بودن نسبت عموم و خصوص من وجه میان علوم انسانی بشری و علوم برخاسته از آموزه‌های وحیانی

با تتبع در میان مسائل علوم و اسلام، باید گفت نسبت میان علوم انسانی بشری و علوم برخاسته از آموزه‌های وحیانی عموم و خصوص من وجه است. در آموزه‌های وحیانی مطالب فراوانی در عرصه توصیف و توصیه راجع به انسان وجود دارد که در علوم بشری از آن‌ها خبری نیست؛ مانند مسائل روحی او و نتایج اخروی اعمال و نیات او و غیره. از سوی دیگر، در علوم تجربی مسائلی هست که در آموزه‌های وحیانی با دلالت‌های عرفی قابل فهم نیست؛ مانند اینکه برای زمانه خود چه برنامه سیاسی‌ای داشته باشیم و در برنامه‌های اقتصادی چگونه رفتار کنیم تا از وابستگی نجات یابیم یا در عصر فعلی مقابله‌به‌مثل شامل چه اقداماتی می‌شود یا علل بی‌کاری کشور کدام‌اند؟

فرایند برنامه‌ریزی برای تولید علم دینی از این قرار است: الف) توجه به سنت، عقل، علم، عرف عقلا، و همه منابع شناخت معتبر عقلانی در کنار منبع قرآنی و گردآوری همه گزاره‌های مربوط به موضوع مربوطه در عرصه توصیف و توصیه؛ ب) حل موارد اختلافی و تضادهای ابتدایی. زیرا امکان تناقض مستقر قضایای عقلی یا علمی قطعی با آموزه‌های دینی قطعی وجود ندارد؛ پ) تلاش در فهم مصلحت و مفسده و درک فلسفه و علت هر حکم. زیرا احکام اسلامی از مصلحت‌ها و مفسده‌های واقعی حکایت دارند؛ ت) توجه به قوانین متغیر در کنار اصول ثابت و معیارهای آن دو؛ ث) شناخت ظرفیت‌ها و توانایی‌های مکلفان هنگام فعلیت حکم بر آنان در علوم تجربی. زیرا قوانین دشوار و حرج‌آور و زیان‌بار در اسلام نفی شده است؛ ج) اصلاح پیوسته برداشت‌های قبلی خود در صورت یافت‌های جدید دانشی و ارزشی از منابع معتبر.

۳. شفافیت نحوه تأثیر آموزه‌های قرآنی بر علوم انسانی

افزون بر دو مورد گذشته، نحوه تأثیر آموزه‌های قرآنی بر علوم انسانی هم قابل فهم است هم قابل اجرا. برای روشن شدن این مطلب، نکاتی بیان می‌شود:

اول. در موضوعات علم، به‌ویژه علوم انسانی، هم در عرصه توصیف هم توصیه، مطالب فراوانی از آموزه‌های وحیانی وجود دارد که می‌تواند در مبانی و اهداف علوم و نیز نحوه مدیریت آن تأثیرگذار باشد. البته مسائل مطرح‌شده در اسلام منحصر در این گزاره‌ها نیست، بلکه گزاره‌های فراوانی درباره عالم و آدم و مسائل مادی و معنوی و دنیا و آخرت در قرآن و سنت بیان شده است که چون این توصیفات مربوط به فطرت یا طبیعت انسان‌ها است تغییرپذیر نیست و همواره نوع انسان‌ها چنین حالاتی را دارند.

دوم. علوم تجربی مورد نیاز اسلام است و باید روند خود را با اصلاحاتی ادامه دهد تا قواعد حاکم بر انسان موجود بیشتر شناخته شود و راهکارهای تعیین مسیر سعادت وی متناسب با احوال فعلی او تتبع شود و علل و نتایج روشن شود. زیرا انسان‌های هر دوره و هر کشوری ممکن است اقتضاهاى خاص خود را داشته باشند.

سوم. نتایج تجربه نباید با مسلمات دینی منافات داشته باشد. چنین شرطی به معنای نادیده انگاشتن تجربه و علمی نبودن آن نیست، بلکه برخاسته از دید محدود بشر تجربه‌گر به سود و زیان دنیوی است. مثلاً ممکن است در جامعه‌ای فرد تجربه‌گر برای درک علل رونق بیشتر تولید و اینکه چگونه راندمان کاری کارگران و کارمندان را افزایش دهد با آزمایش‌هایی به این نتیجه برسد که در وسط روز اگر اندکی شرب خمر کنند یا رقصه‌ای در نیمه روز برای آنان برقصد یا نماز را ترک کنند، تولید بیشتری حاصل می‌شود. علم دینی این تجربه را نمی‌پذیرد. زیرا بر آن است که سود اندک و کوتاه‌مدت دنیوی نباید موجب از دست دادن سود جاویدان اخروی شود. البته در مواردی که راه رفع یک مشکل مهم در زمانی خاص در انجام دادن امری منتهی است، خود شارع آن راه را با شرایطی مباح کرده و بر اساس قاعده‌الاهم فالهمهم آن را جایز دانسته است و چون در این صورت با اجازه شارع چنین کاری انجام گرفته است مزاحم آخرت انسان نمی‌شود. چون او را از اطاعت و بندگی خدا خارج ساخته است.

روش تولید نظریه‌ها در باب علوم انسانی با لحاظ آموزه‌های وحیانی چندان امر غریبی نیست. اما اندیشمندان باید نظریه‌ها را از قرآن با عنایت به مبانی و رویکردها و مسائل آموزه‌های وحیانی کشف کنند. زیرا تنها کاری که باید اندیشمند علوم انسانی بشری انجام دهد گرفتن مبانی و گزاره‌های قطعی یا اطمینانی دینی از دست کارشناسان دین و لحاظ آن‌ها در کنار گزاره‌های تجربی خود و در نتیجه نظم و نسقی جدید به آن‌ها دادن است که محصول آن‌ها علم انسانی اسلامی خواهد شد. البته باید عنایت داشت که گزاره‌های علوم تجربی انسانی با شرایطی مورد تأیید هستند و باید در مجموعه علوم انسانی-اسلامی گنجانیده شوند. مثلاً گزاره‌ها یقینی یا اطمینانی باشند؛ یعنی واقعاً تجربی باشند و فرایند یک تجربه را پیموده باشند. اگر قرار است توصیه‌های برخاسته از آن در جامعه اسلامی اجرا شود، باید تجربه و آزمون نیز مربوط به همین جامعه و برخاسته از کنش‌های آنان باشد. زیرا ممکن است عوامل هنجارها و ناهنجاری‌ها در جوامع مختلف متفاوت باشد و نیز وقتی در چنین فرایندی علمی مشتمل بر صدها گزاره پدید آمد، باید با عنایت به جامعه هدف و نیازها و موانع هر منطقه آن‌ها را عملیاتی کرد و توصیه‌های برخاسته از آن‌ها را به اجرا گذاشت.

نتیجه

بنا بر آنچه گذشت، تولید علم دینی، به‌ویژه علوم انسانی-اسلامی، از منظر دین و عقل، به‌رغم دیدگاه‌ها و نظرات منکران، هیچ منعی ندارد و همه ادله کسانی که آن را مجاز و معقول نمی‌شمارند قابل پاسخ است. زیرا اگر درست و بر اساس فرایند اجتهادی و با عنایت به حجیت علم و عقل و قبول مسلمات علمی انجام پذیرد، همانند بقیه علوم اسلامی، نه‌تنها تحقق‌پذیر است، بلکه جایز و معقول نیز خواهد بود. چون اولاً دارای انعطاف لازم است، ثانیاً هیچ اشکالی بر سر راه رشد علم ایجاد نمی‌کند، ثالثاً می‌توان همانند علوم بشری در آن تجدیدنظر کرد و در نتیجه شامل تطور و تکامل می‌شود، رابعاً نه‌تنها برای جوامع اسلامی بلکه برای جهانیان مقبول خواهد بود؛ با این تفاوت که چون مسلمانان و جوامع اسلامی آن را در مسیر خواست خداوند تلقی می‌کنند آن را مقدس می‌شمارند و جوامع دیگر به لحاظ کارآمد بودن آن در حل معضلات و مشکلات دنیوی از آن بهره خواهند گرفت. به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از شبهات ناشی از عدم اطلاع درست و دقیق از ماهیت و فرایند اسلامی‌سازی علوم است و لازم است منکران این امر با مداقه و تجدیدنظر در بررسی‌ها فهم خود از این مقوله و فرایند آن را تصحیح کنند.

منابع

- قرآن کریم. مترجم: محمدرضا آدینه‌وند لرستانی (۱۳۷۷). تهران: اسوه.
- اسدی نسب، محمدعلی (۱۴۰۱). *مبانی قرآن‌شناختی علم دینی؛ با تأکید بر علوم انسانی-اسلامی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). *نسبت دین و دنیا*. قم: اسراء.
- _____ (۱۳۸۹). *شریعت در آینه معرفت*. قم: اسراء.
- چیتیک، ویلیام (۱۳۸۰). *تئولوژی و توسعه*. مترجم: سید محمد آوینی. *بازتاب اندیشه*، ش ۱۹.
- حسینی، سید حمیدرضا و همکاران (۱۳۹۳). *مجموعه مقالات علم دینی؛ دیدگاه‌ها و ملاحظات*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حیدری، محمدفؤاد (۱۳۹۷). *مروری انتقادی بر آرای موافق و مخالف علوم انسانی اسلامی*. مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ش ۱۵.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۰۲/۲۲). *بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنگره «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی»*.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۹۷). *نقد ادله ناممکن‌انگاری علم دینی*، مجله کلام اسلامی، ش ۱۰۵.
- رجبی، محمود (۱۳۹۰). *امکان علم دینی*. معرفت فرهنگی اجتماعی، ش ۸.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۹۶/۱۲/۱۳). *پرسش‌هایی درباره امکان و امتناع علم دینی*. خبرگزاری فارس.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۳). *قصه ارباب معرفت*. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- _____ (۱۳۸۵). *اسلام و علوم اجتماعی؛ نقدی بر دینی کردن علم*.
- _____ (۱۳۹۲). *سنت و سکولاریسم*. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- سند الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت: <https://bayanbox.ir/view>
- شریفی، احمدحسین (۱۳۹۳). *مبانی علوم انسانی- اسلامی*. تهران: آفتاب توسعه.
- شه‌گلی، احمد (۱۳۹۹). *ارزیابی ادله انکار علم دینی بر اساس دیدگاه عبدالکریم سروش*. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ش ۸۳.
- صدر، محمدباقر (بی‌تا). *فلسفتنا*. چ ۱۲. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۵۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۶۴). *اصول فلسفه و روش رئالیسم*. تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۸۸). *بررسی‌های اسلامی*. قم: بوستان کتاب.
- عبدالکریم، خلیل (۱۹۹۵). *الاسلام بین الدوله الدینییه و الدوله المدنییه*. قاهره: سینا.
- عشماوی، محمدسعید (۱۹۹۶). *الاسلام السیاسی*. بی‌جا: مدبولی الصغیر.
- علی تبار، رمضان (۱۴۰۲). *خاستگاه و مبادی شبهات علم دینی*. *شبهه‌پژوهی*، ش ۲.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). *رابطه علم و دین از دیدگاه حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح‌یزدی*. معرفت، ش ۷۶.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۵). *مدرنیته و ایران*. آیین، ش ۴.
- _____ (۱۳۸۷). *راهی به رهایی، جستارهایی در باب عقلانیت و معنویت*. تهران: نگاه معاصر.
- نورعلی‌زاده، فرشته (۱۳۹۶). *نقدی بر رویکردهای امکان و تولید علم دینی*. *پژوهش‌های علم و دین*، ش ۱۶.
- هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۷). *ولایت فقیه*. تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____ (۱۳۸۵). *مبانی کلامی اجتهاد*. قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۵). *نظام اقتصاد مقاومتی، الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام*. قم: نگاه فارسی.

- Quran. Translation by Mohammad-Reza Adineh Vand (1998). Tehran: Loristani Osveh. (in Persian)
- Abdul-Karim, Kh. (1995). *Islam Between the Religious State and the Civil State*. Cairo: Sina. (in Persian)
- Alitabar, R. (2023). Origins and Foundations of Doubts About Religious Science. *Quarterly Journal of Doubt Research*, Issue 2. (in Persian)
- Asadi-Nasab, M.A. (2022). *Foundations of Quranic Epistemology in Religious Science; with Emphasis on Islamic Humanities*. Tehran: Research Institute for Culture and Islamic Thought. (in Persian)
- Ashmawi, M.S. (1996). *Political Islam*. Cairo: Madbouli al-Saghir (in Persian).
- Chitick, W. (2001). Theology and Development. Translated by Seyed Mohammad Avini. *Basteb Andisheh Journal*, Issue 19. (in Persian)
- Hadi Tehran, M. (1998). *Guardianship of the Jurist*. Tehran: Research Institute for Culture and Islamic Thought. (in Persian)
- (2006). *The Theological Foundations of Ijtihad*. Qom: Khaneh Khord Institute. (in Persian)
- Hasani, S. H.R. et al. (2014). *A Collection of Articles on Religious Science; Views and Considerations*. Qom: Research Institute for the Seminary and University. (in Persian)
- Heidari, M.F. (2018). A Critical Review of the Opinions for and Against Islamic Humanities. *Journal of Strategic Studies of Islamic Humanities*, Issue 15. (in Persian)
- Jawadi Amoli, A. (2002). *The Relationship Between Religion and the World*. Qom: Esra'a.
- (2010). *Sharia in the Mirror of Knowledge*. Qom: Esra'a. (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (05/12/2018). Statements at the meeting with participants of the Congress on "The Role of Shiism in the Emergence and Expansion of Islamic Sciences." (in Persian).
- Malkian, M. (2006). Modernity and Iran. *Monthly Journal of Aeen*, Issue 4. (in Persian).
- (2008). *The Path to Liberation, Essays on Rationality and Spirituality*. Tehran: Negah Mo'asir. (in Persian).
- Misbah Yazdi, M.T. (2015). The Relationship Between Science and Religion According to Ayatollah Mohammad Taqi Misbah Yazdi. *Journal of Knowledge*, Issue 76. (in Persian).
- Noor-Ali-Zadeh, F. (2017). A Critique of the Approaches to the Possibility and Production of Religious Science. *Journal of Science and Religion Research*, Issue 16. (in Persian).
- Rajaei, M. (2011). The Possibility of Religious Science. *Journal of Cultural and Social Knowledge*, Issue 8. (in Persian).
- Rashad, A.A. (12/13/2018). Questions About the Possibility and Impossibility of Religious Science. Fars News Agency. (in Persian).
- Sadr, M.B. (n.d.). *Our Philosophy*. 12th Edition. Beirut: Dar al-Tau'iaf al-Matbou'at. (in Persian).
- Shaghli, A. (2020). Evaluating the Arguments Against Religious Science Based on Abdulkarim Soroush's View. *Journal of Epistemological Studies in Islamic University*, Issue 83. (in Persian).
- Sharifi, A.H. (2014). *Foundations of Islamic Humanities*. Tehran: Aftabe Tose'e. (in Persian).
- Soroush, A. (1994). *The Story of the Masters of Knowledge*. Tehran: Siraat Cultural Institute. (in Persian).
- (2006). *Islam and Social Sciences; A Critique of the Secularization of Knowledge*. (in Persian).
- (2013). *Tradition and Secularism*. Tehran: Siraat Cultural Institute. (in Persian)
- Tabatabai, S. M.H. (1975). *Al-Mizan in Quranic Exegesis*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- (1985). *Principles of Philosophy and Method of Realism*. Tehran: Sadra. (in Persian).
- (2009). *Islamic Studies*. Qom: Bustan Kitab. (in Persian) (in Persian).
- The Iranian Islamic Model of Progress Document: <https://bayanbox.ir/view> (in Persian).
- Yousefi, A.A. (2016). *Resistance Economy System: An Inspirational Model from the Islamic Economic System*. Qom: Negah Farsi. (in Persian).